

تحلیل سیاست‌گذاری قانون ساماندهی مد و لباس مجلس شورای اسلامی بر اساس مدل فرایندی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

حسام الدین آشنا*

حسین مهربانی**

چکیده

پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی و متأثر از فضای دینی، پوشش و کیفیت آن در ایران به عنوان یک مسئله عمومی شناخته شده و قوانین و سیاست‌های مختلفی در راستای ترویج و تثبیت پوشش اسلامی در ادارات و اماکن دولتی و سپس در اماکن عمومی به تصویب رسید. در میان قوانین گوناگون حوزه پوشش، قانون ساماندهی مد و لباس مجلس شورای اسلامی، اولین قانونی است که به طور مستقیم به بحث مد و لباس توجه ویژه داشته است. در این نوشتار با بهره‌گیری از روش کیفی (سندپژوهی و مصاحبه)، فرایند سیاست‌گذاری این قانون، بر اساس مدل فرایندی تحلیل شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. بهره‌گیری از اسناد و گزارش‌های موجود و مصاحبه با کارشناسان و دست‌اندرکاران این مهم در چارچوب فرایند سیاست‌گذاری (تعیین مسأله، شناسایی راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی) ما را به این نتیجه رساند که بخش عمده‌ای از ماده‌های قانون فوق‌الذکر اجرا نشده و یا به صورت ناقص اجرا شده است. همچنین این قانون، در عین برخورداری از نقاط قوتی از قبیل وجود رویکرد حمایتی، تشویقی و ایجابی، بسیج تمامی دستگاه‌های مرتبط و... نقاط ضعفی همچون عدم طرح ساختاری فراتشکیلاتی برای کارگروه ساماندهی مد و لباس، عدم تخصیص اعتبار و بودجه کافی و نادیده گرفتن بخش خصوصی و... دارد که مانع تسریع در اجرای شدن قانون شده‌اند.

واژگان کلیدی

قانون ساماندهی مد و لباس، تحلیل سیاست، مدل فرایندی

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع). ashna@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم، نویسنده مسئول.

mehrabanifar@mihanmail.ir

مقدمه

مُد در جهان امروز به یکی از صنایع پر طرفدار، به ویژه در میان زنان تبدیل شده است؛ چرا که ابزاری جهت تمایزبخشی و بازنمودی از هویت فرد است و به نوعی طبقه، جنسیت، سن، گرایش‌ها و علایق او را عرضه می‌کند (بنت، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳).

مسئله پوشش بدن و کیفیت آرایش آن، از جمله مسائلی است که کانون توجه بسیاری از نظریه‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی معاصر بوده است. مسأله‌ای که هر کشوری، با توجه به چارچوب فکری و مبانی نظری خویش به آن نظر کرده و در قبال آن سیاست‌های گوناگون را اتخاذ نموده‌اند. در میان جلوه‌های مد، مد لباس و پوشاک ملموس‌تر و عینی‌تر بوده و با توجه به نظام ارزشی و فلسفه‌ی اجتماعی و فرهنگی خاص نظام جمهوری اسلامی، از اهمیت بیشتری در مطالعات سیاست‌گذاری این کشور برخوردار است.

در کشور ما، موضوع مد و مداخله در آن، به ویژه در سال‌های اخیر و با پیشرفت و گسترش روز افزون این صنعت، یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات مطرح در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی می‌باشد. آن چنان که از سال‌های ابتدایی شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی تاکنون و پس از گذشت سه دهه، مسئله پوشاک و کیفیت آن، همچنان در دستور کار نهادهای فرهنگی قرار دارد و سیاست‌ها و قانون‌گذاری‌های متعددی در این حوزه تدوین می‌شود.

در سال ۱۳۸۵ برای اولین بار شاهد شکل‌گیری و تدوین قانونی هستیم که به طور خاص، مسئله مد و لباس را مورد توجه قرار می‌دهد. قانونی موسوم به قانون ساماندهی مد و لباس که با رویکرد و جنبه‌هایی متفاوت از قوانین پیش از خود در حوزه پوشش، در کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفت. در این نوشتار، با استفاده از مدل فرایندی سیاست‌گذاری، به دنبال تحلیل سیاست قانون ساماندهی مد و لباس و در واقع فهم چرایی و چگونگی تدوین این قانون (توجه به مبانی و پیش فرض‌ها)، اجرا و ارزیابی آن بر اساس مراحل مطرح در مدل فرایندی سیاست‌گذاری می‌باشیم.

مطالعه فرایند سیاست‌گذاری این قانون، ضمن کمک در جهت دستیابی به شناختی جامع از ابعاد و مبانی و کشف و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن، زمینه را برای رفع کاستی‌ها و ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری در این عرصه فراهم می‌آورد.

بر این اساس در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که تحلیل سیاست‌گذاری «قانون ساماندهی مد و لباس» کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، بر اساس مدل فرایندی چه نتایجی دارد و گام‌های این فرایند به چه شکل طی شده‌اند؟

از این رو، برای آگاهی از فرایند سیاست‌گذاری در خصوص این سیاست و تحلیل آن، از روش کیفی بهره گرفته شده است و تلاش شده با مطالعه اسناد (سندپژوهی) و انجام مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز در چارچوب مدل فرایندی گردآوری شده و تحلیل شود.

۱. پیشینه پژوهش

مد و لباس از منظرها و رویکردهای مختلف و متفاوتی بررسی شده است. می‌توان گفت غالب آثار موجود در این زمینه، با رویکرد جامعه‌شناختی، روانشناختی، مطالعات فرهنگی، نشانه‌شناسی، زیبایی‌شناسی و همچنین رویکردهای اقتصادی نگاشته شده است. در بنابراین، پژوهش‌ها در این زمینه و با رویکردهای فوق از تعداد قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. که در اینجا، به طور نمونه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

در مورد رویکرد جامعه‌شناختی می‌توان به اثر زیمیل با عنوان «فلسفه مد» اشاره کرد. می‌توان گفت که این اثر، نخستین تلاش جدی و منسجم برای بررسی معنای فرهنگی مد در زندگی روزمره بوده است (بنت، ۱۳۸۶). رویکرد مطالعات فرهنگی به مد هم در اثر «سیمای مد: مطالعات فرهنگی در مورد مد»^۱ جنیفر کریک قابل مشاهده است که در آن به تفصیل از منظر مطالعات فرهنگی و مباحث زندگی روزمره به تحلیل زوایای مختلف مد می‌پردازد (Craik, 1994).

رویکردهای اقتصادی به مد هم که کیفیت مخاطب‌سنجی و توجه به تقاضا در مد را جهت کسب سود حداکثری مد نظر قرار داده و حاکی از پیوند حوزه فرهنگ با اقتصاد در کشورهای اروپایی و آمریکا می‌باشد، در مقاله «اقتصاد تقاضای مد»^۲ (Robinson, 1961) مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان اثر «نظام نشانه‌ها در پوشش» جوادی یگانه و کشفی که رویکردی نشانه‌شناختی در مطالعه پوشش دارد، سیاست‌گذاری فرهنگی را هم مورد توجه قرار داده و نقش و اهمیت این رویکرد به پوشش را در سیاست‌گذاری فرهنگی خاطر نشان می‌کند (جوادی یگانه و کشفی، ۱۳۸۶).

با وجود این، در زمینه سیاست‌گذاری پوشش و به طور خصوص مد و لباس، پژوهش‌های معدودی موجود است و تا آن جا که محقق جستجو نموده، پژوهش‌های اندکی مباحث سیاست‌گذاری در این خصوص را مورد توجه قرار داده‌اند.

در زمینه سیاست‌گذاری مد لباس و پوشش می‌توان پایان‌نامه «سیاست‌گذاری و مدیریت پوشش در جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۸» را مورد توجه قرار داد که در آن کیفیت مدیریت پوشش در طول دو دهه از نظام جمهوری اسلامی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و سیاست‌های اتخاذ شده در قبال مسئله پوشش در این دو دهه که سه دولت مختلف را در برمی‌گیرد و حکایت از کیفیت مداخله‌های صورت گرفته دارد، تحلیل و ارزیابی می‌شوند. (ساقینی، ۱۳۹۰).

همچنین کتاب «قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران» (صدر، ۱۳۸۹) یا پژوهش «بررسی اقدامات حکومتی در راستای حجاب بعد از انقلاب اسلامی» (باجلان، ۱۳۹۱)، هر چند به طور مروری به مطالعه سیاست‌های پوشش در ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تا اواخر دهه هشتاد پرداخته‌اند، اما هیچ یک به ارائه تحلیل از منظر سیاست‌گذاری نپرداخته‌اند.

با مروری بر آثار فوق، می‌توان به وضوح دریافت که تحلیل سیاست‌گذاری در زمینه پوشش و به طور خاص، مد و لباس از خلأ جدی پژوهشی برخوردار بوده و کماکان نقاط مغفول بسیاری در خصوص مد لباس و سیاست‌گذاری فرهنگی در این زمینه به ویژه در کشور ما باقی مانده است.

آن چه که پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌های فوق متمایز می‌کند، توجه به ادبیات سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست در خصوص این مسئله فرهنگی است. در این جهت، طور خاص، با تحلیل قانون ساماندهی مد و لباس به عنوان حلقه متأخر سیاست‌گذاری مستقیم و عمومی در زمینه پوشش، کیفیت مواجهه و اهتمام سیاستگذاران به این عرصه و خلأها و نقاط قوت موجود روشن می‌شود تا از این رهگذر، اطلاعات لازم برای تقویت نقاط قوت سیاست‌ها و رفع نقاط ضعف جهت تدوین سیاست‌های روزآمد با کارآمدی هر چه بیشتر فراهم گردد.

۲. سیاست‌گذاری پوشش و لباس در جمهوری اسلامی ایران

در اوایل انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، پیش از آن‌که سیاست فرهنگی خاصی در مورد فرهنگ البسه، آرایش و زیباسازی بدن تدوین شود، توضیح المسائل و فتوای مراجع دینی از جمله حضرت امام خمینی (ره) و مصاحبه‌های ایشان با خبرنگاران داخلی و خارجی و همچنین بیانیه‌ها و اعلامیه‌های ایشان از اوایل دهه ۱۳۴۰، تا حدودی دیدگاه‌های حکومت اسلامی را در خصوص پوشش و حجاب و تعریف از زنانگی و مردانگی مورد قبول نظام اسلامی روشن کرده بود (شهابی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

نقطه آغاز تحولات مربوط به پوشش افراد جامعه و مداخله‌های مسئولان نظام در این حوزه، مربوط به پوشش زنان کارمند بود که بخش عمده آنها که از طبقه متوسط جامعه محسوب می‌شدند، بی‌حجاب بودند. این مهم نیز با نظر به آراء و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) صورت پذیرفت (ساقینی، ۱۳۹۰).

در مجموع پیشینه سیاست‌گذاری در زمینه پوشش و به طور کلی، اهم سیاست‌های مرتبط با پوشش و کیفیت البسه را از ابتدای انقلاب اسلامی می‌توان در قالب جدول ذیل خلاصه نمود:

جدول شماره ۱. فهرست سیاست‌های مرتبط با پوشش

عنوان سیاست (قانون، مصوبه یا آیین نامه)	نهاد مربوطه	تاریخ	توضیحات
قانون مجازات اسلامی / تعزیرات	مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۲/۰۵/۱۸	نخستین مصوبه قانونی درباره پوشش (تبصره ماده ۱۰۲): «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد».
قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند	مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۵/۱۲/۲۸	ماده (۱) و ماده (۴) به طور خاص به کیفیت پوشش و چگونگی البسه نظر دارد. ماده ۴: کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.
قانون جدید تعزیرات به عنوان بخش پنجم قانون مجازات اسلامی	مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۵/۳/۲	ماده ۱۰۲ ملغی و جای خود را به تبصره ماده ۶۳۸ داد که مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»
اصول و مبانی روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۷۶/۱۱/۱۴	برای آنکه روش‌های اجرایی دستگاه‌های مختلف در اهتمام به تقویت عفاف و حجاب، منطقی و جامع و هماهنگ و

عفاف			تابع یک سلسله اصول و مبانی باشد، این مصوبه مورد توجه قرار گرفت.
راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۴/۵/۴	وزارت ارشاد موظف شده کمیته ترویج و گسترش فرهنگ عفاف را با نمایندگان ۲۲ سازمان، وزارتخانه و نهاد حکومتی تشکیل دهد تا «راهکارها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و نقش دستگاه‌های ذیربط در این خصوص را تهیه و تصویب نموده و به اطلاع شورای عالی انقلاب فرهنگی برساند.»
قانون ساماندهی مد و لباس	مجلس شورای اسلامی (کمیسیون فرهنگی)	۱۳۸۵/۱۰/۱۲	۱۱ ماده و سه تبصره در راستای تقویت فرهنگ اسلامی ایرانی در پوشش.

۲-۱. قانون ساماندهی مد و لباس

در اسفند ۱۳۸۴، طرح پیشنهادی ساماندهی مد و لباس که در آن به جنبه‌های فرهنگی تولید لباس، هدایت و تشویق صنایع تولیدی مرتبط توجه شده، از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به کمیسیون فرهنگی مجلس ارائه و به عنوان سیاستی حمایتی، تشویقی و تنظیمی در ۱۱ ماده و ۳ تبصره تحت عنوان «قانون ساماندهی مد و لباس» در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این سیاست، با هدف حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی، ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک، بر اساس طرح‌ها و الگوهای داخلی و ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و نامأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی شکل گرفت. جهت نیل به این مهم نیز ساز و کارهایی از قبیل برگزاری نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، وضع عوارض گمرکی بر واردات پوشاک، در اولویت قرار

دادن طراحان و تولیدکنندگان پارچه و لباس ایرانی برای دریافت مجوز و استفاده از تسهیلات و... در نظر گرفته شد (قلی‌پور و آهنگر، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱ و ۱۶۲).

۴. ادبیات پژوهش و چارچوب نظری

۴-۱. تحلیل سیاست

مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، از جمله روش‌های تحلیل سیاست، در زمره رشته‌هایی است که به سرعت در علوم اجتماعی در چند دهه گذشته توسعه و بسط یافته است. تحلیل سیاست جهت درک بهتر فرایند سیاست‌گذاری و تأمین دانش مرتبط سیاستی قابل اتکاء برای تصمیم‌گیران سیاسی در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی، پدیدار شد (Fischer et al, 2007). «دان» از تحلیل سیاست به عنوان یک رشته کاربردی علوم اجتماعی یاد می‌کند که در آن از روش‌های متعدد و گوناگون تحقیق و استدلال جهت تولید و تغییر اطلاعات مرتبط سیاستی استفاده می‌شود. اطلاعاتی که ممکن است در مجموعه‌های سیاسی برای حل مسائل سیاسی مورد استفاده قرار گیرد (Fischer et al, 2007).

تحلیل سیاست‌گذاری، به دنبال تعیین آن است که کدام یک از سیاست‌های پیشنهادی مختلف در دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف ارائه شده، با توجه به روابط میان سیاست‌ها و اهداف، بیشترین تأثیر را دارد (Nagel, 1999). بنا به گفته ویلیام دان تحلیل سیاست‌گذاری عمومی، یک رشته علمی حل مسئله و مشکل است که بر مبنای نظریه‌ها، روش‌ها و یافته‌های حقیقی علوم رفتاری و اجتماعی، حرفه‌های اجتماعی و فلسفه اجتماعی و سیاسی ترسیم می‌شود. مکری و جیمز، تحلیل سیاست‌گذاری عمومی را بهره‌گیری از دلیل و مدرک در انتخاب بهترین سیاست در میان سیاست‌های پیشنهادی تعریف نموده‌اند (Kraft and Furlong, 2010, p.9؛ به نقل از Mansour, 2011, p.161). از این رو، هدف اولیه تحلیل سیاست کاربردی این است که تصمیم‌گیران سیاست‌گذاری عمومی را در مقایسه و ارزیابی پیشنهادی جایگزین سیاستی یاری رساند (Vining and boardman, 2004, p.1).

کاربرد تحلیل سیاست که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پدیدار شد، در بخش وسیعی در شکل خود، فن‌سالارانه (تکنوکراتیک) بود. این رشته، عمدتاً توسط چارچوب روش‌شناختی‌ای شکل گرفت که از روش‌های نئوپوزیتیویسم (اثبات‌گرایی نوین)/تجربه‌گرایی که بر علوم اجتماعی روز مسلط بودند، نشأت می‌گیرند. آن‌چنان که این مهم، مورد استدلال واقع شده که تحلیل سیاست، چونان دانشی سیاستی بایستی این قابلیت را داشته باشد که دانش قابل تعمیم و راه‌حل‌های آزمون شده اجرا شدنی به گستره‌ای از مسائل سیاستی در زمینه‌های سیاسی مختلف را توسعه دهد (Fischer et al, 2007, p.223).

به طور کلی، اغلب تحلیل‌های سیاست بر فرایند سیاست‌گذاری متمرکز شده و آن را مورد واکاوی قرار می‌دهند (Walt and Gilson, 1994, p.358). به گونه‌ای که می‌توان گفت تحلیل سیاست یک فعالیت عقلانی است که طی فرایندی که متشکل از اقدامات لزوماً سیاسی است، به انجام رسیده است. این اقدامات سیاسی را می‌توان به عنوان فرایند سیاست‌گذاری قلمداد نمود و آن را همچون مجموعه‌ای از مراحل زمان‌بندی شده به هم مرتبط مجسم کرد: تهیه دستور کار، تدوین و تنظیم سیاست، اتخاذ سیاست، تحقق سیاست، برآورد سیاست. رویه‌های مخصوص تحلیل سیاست، برای بوجود آوردن اطلاعات در مراحل مخصوص فرایند سیاست‌گذاری مناسب خواهند بود (Dunn, 1994).

در مجموع می‌توان گفت که تحلیل سیاست با چارچوب میان رشته‌ای خود و تمرکز بر فرایند سیاست‌گذاری و تحلیل و ارزیابی آن، نقش برجسته‌ای در ارزیابی سیاست‌ها و تلاش در جهت بهبود و افزایش کیفیت آن‌ها ایفا می‌نماید. از آن‌جا که تحلیل سیاست متمرکز بر فرایند سیاست‌گذاری و با نظر به گام‌ها و مراحل آن صورت می‌پذیرد، پیش از تحلیل سیاست‌گذاری قانون ساماندهی مد و لباس به تفصیل به فرایند سیاست‌گذاری و شرح گام‌های آن به طور جداگانه می‌پردازیم. روشن است که توجه به فرایند سیاست‌گذاری در مدل مرحله‌ای (چرخه‌ای) یا به بیان بهتر مدل فرایندی سیاست‌گذاری که سیاست‌ها را با توجه به فرایند شکل‌گیری آن‌ها مطالعه می‌کند، صورت می‌گیرد. از این روست که می‌توان گفت مدل فرایندی به عنوان

مدلی مطلوب در تحلیل سیاست (با توجه به گام‌های تحلیل سیاست) به کار می‌آید که در این مقاله، قانون ساماندهی مد و لباس بر اساس آن، تحلیل خواهد شد.

۲-۴. مدل فرایندی

«مدل فرایندی از پرکاربردترین مدل‌های موجود در سیاست‌گذاری عمومی است. این مدل که حاصل سلطهٔ مکتب رفتارگرایی بر علوم سیاسی است، توجه خود را به کشف الگوهای فعالیت‌ها یا فرایندها قرار می‌دهد» (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴).

مدل فرایندی با شرح فرایند سیاست‌گذاری برای اولین بار توسط «چارلز جونز»، استاد آمریکایی علوم سیاسی، ارائه گشته و سپس به وسیلهٔ دیگر متخصصین سیاست‌گذاری عمومی، عمومیت داده شده است. به باور او باید چارچوبی ارائه کرد تا در قالب آن بتوان عملکرد دولت را به صورت عینی و علمی مورد مطالعه قرار داد. تنها در صورت شناخت «چگونه بودن» عملکرد دولت است که می‌توان در مرحلهٔ بعد پیرامون «چگونه باید بودن» آن به ارائه نظر پرداخت. او عملکرد دولت و تصمیم‌گیران را به پنج مرحله به هم وابسته تقسیم می‌کند: ۱- مرحلهٔ شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستور کار حکومت، ۲- مرحلهٔ ارائهٔ راه حل‌ها، ۳- مرحلهٔ تصمیم‌گیری، ۴- مرحلهٔ اجرا و ۵- مرحلهٔ ارزیابی (وحید، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱ و ۱۹۲).

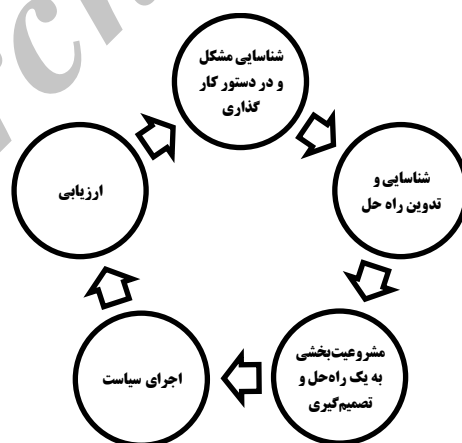
طبق مدل فرایندی، دانشمندان علوم سیاسی باید مطالعات خود را در مورد سیاست‌گذاری عمومی، فقط به این فرایندها محدود نمایند و در واقع، این محتوای سیاست نیست که باید مطالعه شود؛ بلکه فرایندهایی که سیاست بر اساس آن‌ها بسط یافته و اجرا شده و تغییر پیدا می‌کند، باید مورد بررسی واقع شوند. به طور کلی، این مدل می‌تواند در درک فعالیت‌های مختلفی که در سیاست‌گذاری اجرا می‌گردد، مفید واقع شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

آن‌طور که جونز خاطر نشان می‌کند مدل فرایندی باید به صورت انعطاف‌پذیر مورد استفاده قرار گیرد نه خطی. در واقع نظم مراحل می‌تواند به هم خورده یا برعکس شود؛ حتی در برخی موارد تشخیص بعضی مراحل مشکل یا ناممکن است. علاوه بر این روش جونز در تحلیل فرایند سیاست‌گذاری از دو جهت پر بار می‌باشد. نخست

این که محقق و تحلیل‌گر سیاست‌گذاری عمومی را به سوی ایجاد طرح‌های تحلیلی و سنتزی در ارتباط با فرایندهای شکل‌گیری مشکلات، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی سوق می‌دهد. دوم آن‌که با این مدل، زمینه برای انجام مطالعات عینی و تجربی در مورد عملکرد مسئولان حکومتی ایجاد می‌شود (وحید، ۱۳۸۰، صص ۱۹۲-۱۹۴).

چرخه سیاست‌گذاری بیش از آن‌که به بازیگران یا نهادهای خاص یا مشکلات به خصوص و برنامه‌های مربوطه متمرکز شود، توجه را معطوف به خصیصه‌های نوعی و عمومی فرایند سیاست‌گذاری می‌نماید. از این رو، چرخه سیاست‌گذاری اهمیت حوزه سیاست یا زیرسیستم‌ها را به مثابه سطح کلیدی تحلیل برجسته می‌نماید. با این وجود، مطالعات سیاست‌گذاری در برخی موارد تمام چارچوب چرخه سیاست‌گذاری را به عنوان مدلی تحلیلی که ما را در گزینش سؤالات و متغیرها راهنمایی و هدایت می‌کند، به کار می‌برند. در واقع چارچوب چرخه سیاست‌گذاری، تحلیل سیاست‌گذاری را به موضوعات و زمینه‌های عمومی سیاست‌گذاری هدایت نموده و ابزاری جهت سازماندهی و ساخت‌مند نمودن مواد تجربی ارائه نموده است (Fischer et al, 2007, p.45).

چرخه سیاست‌گذاری و گام‌های هم پیوسته فرایند سیاست‌گذاری را می‌توان به صورت ذیل ترسیم نمود:



شکل شماره ۱. چرخه سیاست‌گذاری

در ادامه گام‌های فرایند سیاست‌گذاری به تفکیک به همراه فنون، مسائل و مباحثی که در هر مرحله بایستی مورد توجه قرار گیرد، شرح داده می‌شوند.

گام اول: شناسایی مشکل و در دستور کار گذاری

شناسایی یک موضوع سیاستی، فرایندی است که به کمک آن، مسائل و موضوعات از طریق مجاری مختلف سیاسی بالا می‌آیند تا از سوی یک نهاد سیاسی مانند نهاد قانون‌گذار یا قضایی مورد توجه قرار گیرند (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱). «احتمالاً اساسی‌ترین مرحله در سیاست‌گذاری فرهنگی، تشخیص مشکل یا تعیین صورت مسئله سیاست‌گذاری است. این امر البته در هر پژوهشی، خصوصاً در پژوهش‌های علوم اجتماعی بسیار ضروری است؛ چرا که تا تعریف و شناخت درستی از درد نداشته باشیم، قهراً از ارائه درمان ناتوان خواهیم بود. بنابراین نخستین مرحله در سیاست‌گذاری شناخت مشکل و مسأله مورد تصمیم‌گیری است» (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

پس از شناسایی، تشخیص و صورت‌بندی مشکل، نوبت به دستور کارسازی مسئله می‌رسد. دستور کار چیزی بیشتر از فهرست نمودن موضوعات و مشکلاتی که مقامات دولتی و مردمی که بیرون از دولت به طور نزدیکی با آن مقامات عالی و صاحب منصبان مرتبط بوده، در هر زمان معینی به آن توجه جدی می‌کنند (Fischer et al, 2007, p.45). «مرحله دستورگذاری، مرحله‌ای است که در آن دولت تصمیم می‌گیرد با توجه به اهمیت نسبی هر موضوع، بر چه موضوع یا موضوعاتی تمرکز کند. دستورگذاری دولت پیچیده است و نتیجه کشیدن و هل دادن میان دامنه‌ای از نیروهاست» (قلی‌پور و آهنگر، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

این که چگونه یک پدیده فرهنگی یا اجتماعی به مسئله‌ای عمومی تبدیل شده و در اولویت توجه و دستورکار قرار می‌گیرد، به عوامل مختلفی بستگی دارد. در کل و به طور مصداقی می‌توان گفت عوامل اصلی که منجر می‌شود یک موضوع یا مسئله در دستور کار دولت قرار گیرد و به یک خط‌مشی تبدیل شود عبارتند از: اندیشه‌ها و

ایدئولوژی، رسانه‌ها، گروه‌ها و احزاب، تصمیم‌گیران دولتی و افکار عمومی (وحید، ۱۳۸۳، صص ۹۱-۹۸).

راجر کب و همکارانش در ارتباط با چگونگی ورود یک مشکل به دستور کار دولت‌ها سه مدل ارائه کرده‌اند (وحید، ۱۳۸۳) که عبارتند از:

۱. **مدل ابتکار از خارج:** در این مدل، ابتدا، مشکلات از طریق گروه‌های غیرحکومتی مطرح شده و سپس با تأکید بر آن مشکلات و انتشار آنها، توجه افکار عمومی به آن جلب خواهد شد و در نتیجه وارد دستور کار حکومت می‌شوند (وحید، ۱۳۸۳). این مدل در حقیقت همان شیوه‌ای است که از آن تحت عنوان «بگذارید که اتفاق بیفتد»، یاد شده، شیوه‌ای که در آن سازمان عمومی ابتدا نقشی نسبتاً انفعالی در تنظیم و تدوین برنامه‌ریزی عملیات دارد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

۲. **مدل بسیج:** در این مدل، مشکلاتی که ابتکار آن تعلق به تصمیم‌گیران یا اطرافیان آنها دارد، به صورت مستقیم، آسان و بدون گذر از افکار عمومی وارد دستور کار حکومت می‌گردند و سپس از آنجا که اجرای موفق خط‌مشی‌ها و تصمیمات گرفته‌شده در گرو آگاهی افکار عمومی است، آن مشکل از دستور کار حکومت به افکار عمومی منتقل شده و افکار عمومی از آن آگاه می‌شوند (وحید، ۱۳۸۳).

۳. **مدل دسترسی از داخل:** در این مدل، شاهد فعال شدن دولت در تنظیم دستور کار و سیاست‌گذاری هستیم که نهاد عمومی در بیان مسئله و هدف‌گذاری نقش فعالی را به عهده می‌گیرد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

گام دوم: شناسایی و تدوین راه‌حل‌ها

در این مرحله از فرایند سیاست‌گذاری با بهره‌گیری از نظریات کارشناسی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، تعهدات و مسئولیت‌ها، ارزش‌های حاکم بر جامعه و سایر عوامل مربوطه، مسئله یا مشکل عمومی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. حاصل چنین فعالیت‌هایی، دستیابی به گزینه‌ها و راه‌حل‌های مطلوب

جهت رفع مشکل است که با در نظر گرفتن همه جوانب مسئله، به شکل‌گیری، تهیه و تدوین سیاست عمومی می‌انجامد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

گام اساسی در شناسایی و تدوین راه‌حل‌ها، بحث از مبانی نظری هر یک از راه‌حل‌ها و نیز شناخت نظری حوزه مورد نظر می‌باشد. ما در اتخاذ راه‌حل، نیازمند تدوین اهداف کلان در مسئله یا موضوع مورد نظر هستیم که این اهداف پس از تفکر در مبانی نظری حوزه یا موضوع مورد نظر و فهم آن در زمینه پدیده‌ها و تحولات جهانی پیرامون آن به دست می‌آید (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

ماهیت مشکلات، مسائل و گروه‌هایی که از آن‌ها متأثر می‌شوند، الگوهای مختلفی از شکل‌گیری، تهیه و تدوین سیاست را به وجود می‌آورد. در مجموع، می‌توان به سه نوع طبقه‌بندی شکل‌گیری سیاست اشاره کرد: ۱- شکل‌گیری و تدوین عادی که طی فرایندی ثابت و بدون تغییر و تدوین مجدد پیشنهادهای مشابه در یک زمینه مشخص می‌باشد که به صورت تصمیم‌های برنامه‌ریزی شده در سازمان‌های عمومی اتخاذ می‌شود. ۲- تهیه و تدوین قیاسی: فرایندی که ضمن آن با نظر به پیشنهادهای گذشته، برای حل مشکلات جدید راه حل پیدا می‌شود. ۳- شکل‌گیری و تدوین خلاق: فرایندی که همراه با خلاقیت، ابداع و نوآوری بوده و قبلاً نمونه‌ای از آن وجود نداشته باشد و مسئولان خواهان موضع‌گیری جدید در قبال آن هستند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۶).

شناسایی و تدوین راه‌حل‌ها از رهیافت‌های مختلف و عوامل تأثیرگذاری متفاوتی برخوردارند که کلیات آن‌ها شبیه به آن چیزی است که در مورد تشخیص و در دستورگذاری مسئله گفته شد. این رهیافت‌ها عبارتند از: ۱- رهیافت منافع: که شناسایی راه‌حل‌ها و ارزیابی تبعات احتمالی هر کدام از آن‌ها با توجه به نیازها و منافع گروه‌هایی که درگیر مسئله مورد بحث هستند، صورت می‌پذیرد. اساساً منافع گروه‌ها با عنوان مسئله و راه حل، از طریق فعالیت‌های مرسوم به «لابی‌گری» به دستگاه دولتی انتقال می‌یابد. ۲- رهیافت عینی (علمی): در این رهیافت ادعا بر آن است که می‌توان برای مسایل، مشکلات و معضلات فرهنگی، راه حلی عینی، عملی و فارغ از منافع و مضراتی که عاید گروه‌ها می‌شود، ارائه کرد. این رهیافت به دنبال بهترین راه انجام کار

و نظارت و کنترل دقیق جهت حفظ و تحقق استانداردهای کار می‌باشد. ۳- رهیافت ارزشی و هنجاری که در آن برای حل مشکلات فرهنگی از ارزش‌های آرمانی، دینی و ایدئولوژیک الهام گرفته می‌شود. در این رهیافت، فرهنگ بومی مرجع اصلی سیاست‌گذاری است. ۴- رهیافت تجربه‌ای که در آن تجربه‌های شخصی سیاست‌گذار یا سیستم سیاست‌گذاری، راهنمای عمل قرار می‌گیرد. این رهیافت، راه را جهت اعمال سلیقه شخصی سیاست‌گذار باز گذاشته و متکی بر سوابق اجرایی، تحصیلی، خصلت‌های روحی، روانی و گاه منافع شخصی اوست. ۵- رهیافت دموکراتیک که در آن، گزینش راه‌حل‌ها و شناسایی تبعات آن‌ها، با توجه به نظر اکثریت سیاسی اجتماعی و در عین احترام به حقوق فرهنگی اقلیت‌ها و حیات‌بخشی ایشان صورت می‌گیرد (اشتریان، ۱۳۹۱، صص ۱۱۲-۱۱۷).

گام سوم: مشروعیت‌بخشی به یک راه‌حل و تصمیم‌گیری

پس از آن‌که نتایج حاصل از هر راه‌حل مورد ارزیابی قرار گرفت، می‌توان از طریق مقایسه، بهترین راه‌حل را انتخاب و به عنوان سیاست مطلوب ارائه کرد. البته راه‌حل‌ها هم نباید آن‌قدر زیاد باشند که مقایسه غیرممکن شود و هم نه آن‌قدر معدود که مقایسه بی‌معنا جلوه کند. پس از مقایسه و انتخاب، سیاست مورد نظر باید مشروعیت یافته و به تأیید یا تصویب مرجع یا مقام معینی در جامعه برسد (الوانی، ۱۳۸۱، ص ۴۹).

این مرحله از آنجا حائز اهمیت فراوان است که با عمل تصمیم‌گیری همراه است. در حقیقت تصمیم‌گیر (یا تصمیم‌گیران) همراه با امضاء یا رأی خود، به یک سیاست رسمیت داده و آن را لازم‌الاجرا می‌نمایند (وحید، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱).

«گری بروئر» و «پیتر دلئون» تصمیم‌گیری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «انتخاب از میان گزینه‌های خط‌مشی و آثار احتمالی آنها بر مشکلات مورد نظر... این مرحله به دلیل آنکه بسیاری از راه‌حل‌های بالقوه باید به نحوی غربال شوند و تنها یک یا تعداد معدودی راه‌حل، انتخاب و استفاده شود، سیاسی‌ترین مرحله به شمار می‌آید. در این مرحله لزوماً محتمل‌ترین گزینه انتخاب نخواهد شد و تصمیم در مورد اینکه چه کار خاصی انجام نگیرد نیز، بخشی از انتخاب است تا سرانجام مناسب‌ترین اقدام، مشخص شود» (هاولت و رامش، ۱۳۸۰، صص ۲۲۰-۲۲۱ به نقل از اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷).

در ادبیات سیاست‌گذاری، سه نوع مدل برای تصمیم‌گیری ارائه شده است: ۱-مدل تصمیم‌گیری عقلانی (سنجش عقلایی) ۲-مدل تدریجی تصمیم‌گیری و ۳-مدل ترکیبی (ترکیب دو مدل عقلانی و تدریجی) که هر کدام از آن‌ها می‌کوشند تا ساز و کارهای منجر به تولید تصمیم‌های سیاستی یا عدم تصمیم‌گیری را تشریح کرده و به عنوان ابزارهای نظری مفید، فرایند تصمیم‌گیری را مفهوم‌سازی نمایند (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰). در مدل عقلانی، نتیجه سیاست، کسب حداکثر دستاورد اجتماعی است و دولت‌ها می‌بایست سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند که نسبت منافع اجتماعی آن برای جامعه در مقایسه با هزینه‌های اجرای آن به بالاترین حد برسد. مسئولین و دولت‌مردان باید از پذیرش سیاست‌هایی که هزینه‌های اجرای آن‌ها از منافع بیشتر است، خودداری کنند. مدل تدریجی سیاست عمومی را به عنوان تداوم فعالیت‌های گذشته دولت با تعدیلی جزئی می‌داند. به بیان بهتر، سیاست‌ها و تصمیم‌های گذشته به عنوان مبنای تصمیم‌گیری جدید در نظر گرفته می‌شود. چارلز لیندبلوم اولین بار مدل فوق را در ارتباط با نقد مدل عقلانی تصمیم‌گیری، معرفی کرد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷). «نگاه ترکیبی در واقع ناظر به مدلی از تصمیم‌گیری است که به وسیله آمیتای اتزیونی^۳ مطرح شد که به دنبال یافتن راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای مسائل از طریق استفاده توأم از رهیافت‌های تدریج‌گرایی و عقلانی فراگیر به منظور حل آن‌ها بود» (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸).

گام چهارم: اجرای سیاست

پس از مطرح شدن یک مسئله عمومی در دستور کار جلسه و طرح انتخاب‌های مختلف برای آن و گزینش یک تصمیم از سوی دولت (تصمیم‌گیری)، آنچه باقی می‌ماند، اجرای آن تصمیم است. این مرحله از چرخه سیاست‌گذاری، اجرای سیاست است که می‌توان آن را «فرایندی که در آن برنامه‌ها یا سیاست‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند» تعریف کرد؛ مرحله‌ای که بیانگر چگونگی عملی شدن طرح‌ها می‌باشد (هاولت و رامش، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵). اجرا، فرایند کلی ترجمه سندی قانونی - خواه فرمانی اجرایی و خواه متنی تقنینی - به دستور العمل‌ها و ساختارهایی است که به ارایه خدمات یا تولید کالاها می‌انجامد (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰).

دیدگاه‌های موجود در زمینه اجرای سیاست، قابل تقسیم به دو گروه کلی کلاسیک و جدید می‌باشند: در مدل کلاسیک (سنتی)، سیستم اداری به صورت یک مجموعه مکانیکی در نظر گرفته می‌شود که دارای سه خصیصه می‌باشد: ۱- عناصر تشکیل‌دهنده ساختار سازمان‌های اداری در هر می متمرکز و سلسله‌مراتبی مشغول فعالیت هستند. ۲- نظام سیاسی از نظام اداری کاملاً مجزا بوده و هر یک، فعالیت‌های خاص خود را انجام می‌دهند؛ بدین گونه که دولت، طرح‌ها را ارائه داده و سیستم اداری، آنها را اجرا می‌کند. ۳- در این مدل، نگاه ابزاری نسبت به عوامل اجراء پذیرفته شده است (وحید، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵ و ۲۰۶).

کرشن و همکاران با در نظر گرفتن حالت فزاینده سطح مداخله دولت، فهرستی از ده نوع ابزار اساسی سیاست ارائه نمودند. ایشان ابزارها را در سه طبقه دسته‌بندی کردند که عبارتند از:

۱. ابزارهای داوطلبانه که میزان مداخله دولت در آنها کم یا هیچ است و اقدام مورد نظر بر مبنای داوطلبانه صورت می‌گیرد. این ابزارها شامل «خانواده و جامعه»، «سازمان‌های داوطلب» و «بازارهای خصوصی» می‌شود.
۲. ابزارهای اجباری یا دستوری که هدایت‌کننده اقدام افراد یا شرکت‌های هدف که دارای آزادی عمل محدودی هستند، می‌باشد. این ابزارها عبارتند از: مقررات، شرکت‌های دولتی، تأمین مستقیم.
۳. ابزارهای مختلط: این ابزارها، ویژگی‌های هر دو ابزار داوطلبانه و اجباری را داراست (در میانه طیف مداخله کم و زیاد دولت) و امکان مداخله دولت در سطوح مختلف را جهت شکل‌دهی به تصمیم‌های بازیگران غیر دولتی فراهم می‌کند. این در حالی است که تصمیم‌گیری نهایی به بازیگران خصوصی واگذار می‌شود. دامنه مداخله از توزیع صرف اطلاعات تا وضع مالیات بر فعالیت غیرمطلوب گسترده است و شامل «اطلاعات و توصیه»، «یارانه»، «مزایده»، «حقوق مالکیت»، «مالیات و پرداخت هزینه از سوی استفاده‌کننده می‌شود (قلی‌پور و آهنگر، ۱۳۸۹، صص ۶۹-۷۳).

گام پنجم: ارزیابی

پس از اجرای سیاست عمومی باید نتایج آن در عمل مورد ارزیابی قرار گیرد تا از این که اهداف و رسالت‌های تصمیم مورد نظر محقق شده است، اطمینان حاصل آید. چنانچه ارزیابی به درستی صورت گیرد به بهبود سیاست عمومی، به طور پویا یاری رسانده و فرایند سیاست‌گذاری را به طور مداوم اصلاح می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). ارزیابی، دانش مرتبط با سیاستی را در پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد که در زمینه فاصله نتایج سیاست‌های مورد انتظار و واقعی است و بدین‌سان به آنها در مرحله برآورد سیاست فرایند سیاست‌گذاری یاری خواهد رساند. با استفاده از ارزیابی می‌توان علاوه بر تعیین میزان کاهش مشکلات، ارزش‌های موجود در یک سیاست‌گذاری را نیز نقد و بررسی کرد (Dunn, 1994).

در سطحی کلان، نظریه‌های عقلانی، هنجاری، نهادی و نسبی‌گرا آبخور معرفتی نظریه‌های ارزیابی هستند. نظریه عقلانی مبنایی برای ارزیابی‌های کمی است. این ارزیابی‌ها عملاً در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا به شکل بودجه (در اشکال گوناگون بودجه‌ریزی) نهادینه شده‌اند. در این رویکرد، ادعا بر آن است که هزینه‌ها و بهره‌های یک سیاست را می‌توان از طریق ابزارهای دیوانی محاسبه کرد. نظریه نهادی با قرائت رسمی-قانونی آن، اهداف مصرح قانونی و سیاست‌های اعلامی را مبنای قرار می‌دهد. بر این اساس به ارزیابی سیاست‌ها می‌پردازد. پرسش ارزیاب آن است که آیا به اهداف مصرح قانونی نایل شده‌ایم یا نه؟ اگر سیاست‌های اعلامی توسط مراجع قانونی به صورت کمی شاخص‌گذاری شده باشند، ترکیب بین نگاه عقلانی و نگاه نهادی حاصل شده است. اما در نظریه نسبی‌گرا ارزیابی، تابعی از منافع و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی است و هر یک از احزاب و گروه‌های سیاسی نیز بر اساس دیدگاه‌های خود یک سیاست را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (اشتریان، ۱۳۹۱، صص ۲۸۱-۲۸۳).

۵. روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی است؛ مفهوم روش کیفی طیف گسترده‌ای از روش‌های پژوهشی را در بر می‌گیرد (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴،

ص ۱۵۹). منظور از تحقیق کیفی عبارتست از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هر گونه کمی کردن کسب شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۷). شیوه‌های گردآوری اطلاعات نیز به کمک روش اسنادی و مصاحبه انجام خواهد شد.

۱-۵. روش اسنادی

در این روش، منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک مکتوب و منظومی است که از دوره‌های گذشته به جای مانده و جدیداً از اسلاید، فیلم و سایر تکنولوژی‌های ضبط وقایع تاریخی نیز در پژوهش اسنادی استفاده می‌شود. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی و قوانینی است که توسط نویسندگان و پژوهش‌گران پیشین در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۷۲۶)

نخستین نکته در مورد اسناد این است که می‌توان اسناد را به گفتارها و بافتارهای کنش اجتماعی مورد مطالعه ارتباط داد. (میلر، ۱۹۹۷ به نقل از لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷) نکته دوم آن‌که اسناد می‌توانند به پژوهش‌گر در بازسازی رخداد‌های گذشته یا فرایندهای آتی که امکان مشاهده مستقیم آنها وجود ندارد، کمک نمایند. نکته سوم این‌که اسناد بیان‌گر انواع مشخصی از عقلانیت سازمانی، و اغلب تبلور قوانین اجتماعی- اما نه لزوماً منطبق این قوانین- هستند و تعیین می‌کنند افراد یک جمع اجتماعی، چطور باید رفتار نمایند (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷).

۲-۵. روش مصاحبه: مصاحبه با متخصصان

مصاحبه از جمله روش‌های کیفی گردآوری اطلاعات در علوم اجتماعی است. کانل و کان، مصاحبه تحقیقاتی را بدین صورت تعریف می‌نمایند: «یک گفتگوی دوفره که از سوی مصاحبه‌گر جهت کسب اطلاعات مربوط به پژوهش آغاز می‌گردد و توسط وی بر موضوعاتی متمرکز می‌شود که او برای دستیابی به هدف‌های تحقیقی که شامل توصیف، پیش‌بینی یا توضیح منظم است، به آنها نیاز دارد» (دلاور، ۱۳۷۴، ص ۱۵۴).

قابلیتی که مصاحبه به لحاظ نفوذ عمیق و گسترده در واقعیت‌های ذهنی مصاحبه‌شونده دارد، آن را به روشی برتر در مطالعات ارتباطی و دیگر علوم اجتماعی تبدیل کرده است (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۲۲۳).

مصاحبه‌ها از انواع مختلفی برخوردارند و می‌توان به چندین نوع مختلف مصاحبه اشاره کرد. از آن‌جا در پژوهش حاضر بهره‌گیری از روش مصاحبه جهت جمع‌آوری اطلاعات از سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران قانون‌سازان مد و لباس مجلس شورای اسلامی در راستای گام‌های فرایند سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست این قانون فوق‌می‌باشد، به نظر می‌رسد مصاحبه با متخصصان بسیار راه‌گشا باشد.

در مصاحبه با صاحب‌نظران، مصاحبه‌کننده داده‌ها را از اشخاصی جمع‌آوری می‌کند که دانش یا دیدگاه ویژه‌ای دارند که از طریق دیگران قابل حصول نیست» (گال و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۵۲۵). «موزر و ناگل (۲۰۰۲)، مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه استاندارد می‌دانند که بر خلاف مصاحبه‌های زندگی‌نامه‌نگارانه به مصاحبه‌شونده نه به عنوان یک (کل یا) شخص، بلکه به قابلیتش به عنوان متخصص در حوزه‌ای خاص توجه می‌شود. متخصصان نه به عنوان یک مورد منفرد بلکه به عنوان نمایندگان یک گروه (از متخصصان خاص) در نمونه گنجانده می‌شوند» (فلیک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳).

در این نوع مصاحبه، اهمیت راهنمای مصاحبه‌دوچندان بوده و راهنماها از کارکردی دوگانه برخوردارند. اول این‌که تدوین راهنمای مصاحبه در تحقیق موجب می‌شود که محققان در هیئت شنوندگانی بی‌اطلاع و فاقد صلاحیت ظاهر نشوند و در وهله دوم تضمین می‌کند که مصاحبه در میان موضوعات بی‌ربط سردرگم نشود و اجازه می‌دهد تا فرد متخصص، مسائل و دیدگاه‌هایش را در مورد موضوع فی‌البداهه مطرح نماید (فلیک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴).

۶. مورد کاوی

در پژوهش حاضر اسناد و گزارش‌ها به شرح ذیل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت:

۱- قانون ساماندهی مد و لباس، ۲- آیین نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس، ۳- گزارش دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس در تیرماه ۱۳۸۹، ۴- مشروح جلسات مجلس شورای اسلامی در مورد قانون ساماندهی مد و لباس (جلسات ۲۱۸، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵ و ۲۸۴)، ۵- مصاحبه عماد افروغ- رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم شورای اسلامی و ایده‌پرداز اصلی قانون ساماندهی مد و لباس با دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (چاپ شده در مجله حوراء) ۶- گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما، هشتم آبان ماه ۱۳۹۰ با عیسی کشاورز، دومین دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از بهمن ۱۳۸۹ الی آذر ماه ۱۳۹۰، ۷- مصاحبه با فاطمه رهبر، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم با خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، اسفند ۱۳۹۰.

همچنین در این پژوهش با شش نفر از دست‌اندرکاران، متخصصان و کارشناسان قانون ساماندهی مد و لباس در مهرماه ۱۳۹۱ مصاحبه شده است که به ترتیب عبارتند از: ۱- فاطمه آلیا، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم در زمان تدوین و تصویب قانون ساماندهی مد و لباس، نماینده کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در کارگروه ساماندهی مد و لباس تا پایان مجلس هفتم. ۲- لاله افتخاری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم و نماینده کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در کارگروه ساماندهی مد و لباس در مجلس نهم. ۳- حمید شاه‌آبادی، معاون وقت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس. ۴- علیرضا حسین‌زاده، اولین دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۱۹ آذرماه ۱۳۸۶ تا اوایل دی ماه ۱۳۸۹. ۵- کیوان سهرابی، سومین دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوم دی ماه ۱۳۹۰ الی پانزدهم مهر ماه ۱۳۹۱. ۶- ربابه غزالی، عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه الزهراء، نماینده طراحان لباس در کارگروه مد و لباس از سال ۱۳۸۶ تا اوایل ۱۳۸۸.

در ادامه، قانون ساماندهی مد و لباس با استفاده از اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده و همچنین اسناد و گزارش‌های موجود، مطابق با گام‌های فرایند سیاست‌گذاری مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بدین صورت که ابتدا کیفیت تشخیص مسئله مد و لباس و در دستور کار گذاری آن شرح داده می‌شود. سپس به چگونگی و چرایی اتخاذ طرح ساماندهی مد و لباس به عنوان راه‌حل مسئله پرداخته می‌شود. در ادامه مشروعیت‌بخشی به این مهم و تصمیم‌گیری در مورد آن در مجلس شورای اسلامی شرح داده شده و پس از آن، فرایند اجرای قانون مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت، قانون ساماندهی مد و لباس و فرایند اجرای آن ارزیابی می‌شود.

گام اول: تشخیص مسئله مد و لباس و در دستور کارگذاری آن

اهمیت لباس به عنوان نماد هویت ملی و دینی ایرانیان، ترویج الگوها و مدل‌های غربی لباس و تشدید آن با گسترش وسایل ارتباطات جمعی، تبدیل شدن پوشش نابهنجار به اختلالی نسبتاً فراگیر، وضعیت نامناسب بازار لباس و آشفتگی در عرضه تولیدات مناسب فرهنگی لباس و همچنین آرمان‌ها و ایده‌آل‌های بلند نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه پوشش، مد و لباس را به مسئله‌ای اساسی در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور تبدیل کرده است.^۴

مد و لباس با نظر به تعالیم و آموزه‌های اسلامی در زمینه پوشاک و همچنین در راستای سفارش‌ها و تأکیدات رهبری جمهوری اسلامی ایران و در امتداد مصوبه اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و همچنین راهبردهای عملیاتی آن، به عنوان مسئله سیاست‌گذاری شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته است.^۵

از میان مدل‌های ارائه شده از سوی راجر کب و همکاران در ارتباط با چگونگی ورود یک مشکل به دستور کار دولت‌ها، می‌توان مدل در دستور کار سازی ساماندهی مد و لباس را در کمیسیون مجلس هفتم شورای اسلامی بر اساس مدل دسترسی از داخل دانست. چه این که در دستور کارگذاری ساماندهی مد و لباس، فعال شدن حکومت و به بیان بهتر قوای مقننه و مجریه را شاهدیم. در واقع، مشکل مد و لباس از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی در قوه مقننه شناسایی و تشخیص داده شده و در دستور کار کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم شورای اسلامی قرار گرفته است.

گام دوم: شناسایی و تدوین راه حل‌ها در خصوص مد و لباس

پس از دستور کار قرار گرفتن این مسئله، کمیسیون فرهنگی جلسات متعددی را در خصوص تدوین راه‌حل با دعوت از مرکز پژوهش‌های مجلس، صاحب‌نظران، کارشناسان و نمایندگانی از طراحان و فارغ‌التحصیلان رشته طراحی و تولیدکنندگان پارچه و لباس، تدارک دیدند تا ابعاد مختلف این مسئله مورد بررسی قرار گرفته و این نمایندگان توضیحات لازم را برای کمیسیون فرهنگی مجلس بیاورند.

بر اساس اسناد و مصاحبه‌های انجام شده، قانون ساماندهی مد و لباس نهایتاً به دلایل ذیل به عنوان یکی از راه‌حل‌های مسئله مد و لباس شناخته شده است:

- عدم اثرگذاری لازم رویکردهای سلبی و تنبیهی گذشته در حل مسئله پوشش و اهمیت و ضرورت توجه به رویکردهای حمایتی، تشویقی و ایجابی.
- ضرورت در نظر گرفتن وحدت در استانداردهای عفاف و حجاب در عین پذیرش کثرت و تنوع در پوشاک اقوام مختلف. (جستجوی معنایی واحد در پوشش در عین توجه به قالب‌های متکثر).
- توجه توأمان به دو فاکتور اسلامیت و ایرانیت در مد و لباس.
- ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی.
- هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک بر اساس طرح‌ها و الگوهای داخلی و ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و نامأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی.^۶

می‌توان گفت این سیاست از میان سه نوع طبقه‌بندی شکل‌گیری سیاست، شکل‌گیری و تدوین خلاق داشته است. چه این که سیاست‌گذاران، راه‌حل‌هایی در آن ارائه نمودند که همراه با خلاقیت و نوآوری در زمینه سیاست‌گذاری پوشش بوده است و از میان آن، می‌توان به رویکرد ایجابی، حمایتی و تشویقی این راه‌حل‌ها و همچنین توجه به بخش خصوصی و عدم مداخله مستقیم قوه مجریه و مقننه و به بیان بهتر حکومت در این مهم اشاره کرد. به طوری که می‌توان گفت با طرح این قانون، شاهد موضع‌گیری جدیدی نسبت به مسئله پوشش در کشور بودیم.

با اندکی تأمل در مبانی نظری راه‌حل ساماندهی مد و لباس و گزارش‌ها و مباحث مطرح از سوی سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران این حوزه، به روشنی در می‌یابیم که هر چند برخورداری از رهیافت ارزشی و هنجاری در تدوین این راه حل قویاً به چشم می‌خورد، ولی می‌توان در تدوین آن رهیافت تجربه‌ای و همچنین تا حدی دموکراتیک را هم شاهد بود. چه این که تجربه‌های شخصی سیاست‌گذاران یا سیستم سیاست‌گذاری در زمینه پوشش راهنمای عمل در طرح ساماندهی مد و لباس قرار گرفته و در آن حقوق فرهنگی مردم، اقشار مختلف و اقلیت‌های فرهنگی در چارچوب مطرح تا حد امکان لحاظ شده است.

گام سوم: مشروعیت بخشی به طرح ساماندهی مد و لباس و تصمیم‌گیری

طرح ساماندهی مد و لباس در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۶ در کمیسیون فرهنگی مطرح و شور اول آن در ۱۳ ماده به تصویب رسید. در جلسه ۲۱۸، کلیات آن تصویب شد. پس از شور دوم کمیسیون و بازنگری طرح، دو ماده (۹) و (۱۲) حذف شده و دو ماده (۱۰) و (۱۱) در هم ادغام شد و در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱۸ شور دوم آن با ۱۱ ماده و ۲ تبصره به تصویب کمیسیون رسید. در جلسه‌های ۲۶۲، ۲۶۳ و ۲۶۵ مجلس مواد قانون ساماندهی مد و لباس به رأی گذاشته شدند و پس از تصویب در صحن علنی به شورای نگهبان فرستاده شد. پس از وارد نمودن اشکالاتی از سوی شورای نگهبان، تبصره‌ای به ماده یک اضافه شده و در نهایت قانون مشتمل بر یازده ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوازدهم دی‌ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۰ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید و در ادامه به دولت ابلاغ شد.^۷

از آن‌جا که در تصمیم‌گیری در مورد طرح ساماندهی مد و لباس، ضمن توجه به تصمیم‌های گذشته و در کل پیشینه سیاست‌گذاری در حوزه پوشش، نوعی خلاقیت را نسبت به ارائه راه‌حل‌ها و برآورد سود و زیان و توجه به حقوق فرهنگی و حداکثر نفع اجتماعی تصمیم‌ها شاهدیم، می‌توان گفت مدل تصمیم‌گیری آن، مدل تلفیقی و ترکیب دو مدل عقلانی و تدریجی تصمیم‌گیری می‌باشد.

گام چهارم: اجرای قانون ساماندهی مد و لباس

آیین نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه ۱۳۸۷ به تصویب رسید و الگوی فعالیت دستگاه‌های ذی ربط (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور) تدوین شد.

پس از تدوین آیین نامه اجرایی می‌توان عملکرد اجرایی کارگروه ساماندهی مد و لباس و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به تفکیک دوره‌ها در محورهای ذیل خلاصه نمود:

۱- دوره اولین دبیر کارگروه مد و لباس اسلامی ایرانی (علیرضا حسین زاده) ← محوریت مطالعات نظری، فعالیت‌های تحقیقاتی و پیشبرد زیر ساخت‌ها و تعیین چشم‌انداز.^۸

• برگزاری ۲۷ جلسه کارگروه / مصوبات ۲۶ جلسه از کارگروه به شرح ذیل است:

- آیین نامه داخلی دبیرخانه کارگروه.
- دستور العمل نمایشگاه‌های مد و لباس.
- کلیات طرح پارک فرهنگی مد و لباس.
- مدل‌های ابتکاری حجاب برتر.
- کلیات اساس نامه خانه طراحان.
- کلیات طرح لباس فرم مشاغل .
- کلیات مدل گلخانه‌ای ایران مد.
- کلیات تأسیس بنیاد ملی مد و لباس ایرانی اسلامی.
- انجام چند طرح پژوهشی.
- تدوین برنامه و پروژه‌ها به شرح ذیل:
 - طرح تأسیس بنیاد ملی مد اسلامی ایرانی.
 - فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی در حوزه پوشش اسلامی و حجاب:
 - ✓ جشنواره سالیانه شمیم تمدن اسلامی ایرانی.

✓ تبلیغات

✓ ژورنال

✓ طراحی تکنیک‌ها و محتوای آموزشی در حوزه پوشش اسلامی و

حجاب.

✓ طراحی و پیاده سازی طرح شبکه اجتماعی ایران مد.

- طراحی و تولید انبوه کالای فرهنگی: راه اندازی برند ایران مد
- ایجاد پارک مد و لباس.
- پروژه‌های زیر ساختی:
 - سامانه نظام برند ملی.
 - تدوین استانداردهای کیفی منسوجات و پوشاک.

۲- دوره دومین دبیر کارگروه مد و لباس اسلامی ایرانی (عیسی کشاورز) ← وارد شدن به حوزه عملیاتی.^۹

- برگزاری اولین نمایشگاه مد و مانتو در فرهنگ‌سرای نیاوران در اسفند ماه ۱۳۸۹.
- برگزاری نمایشگاه مد و مانتو در آبان ماه ۱۳۹۰.
- اهتمام به شناساندن چرخه مد از تولیدکننده و طراح تا مصرف‌کننده به یکدیگر و زمینه‌سازی برای تعامل میان آن‌ها در فضای گفتمانی واحد.

۳- دوره سومین دبیر کارگروه مد و لباس اسلامی ایرانی (کیوان سهرابی) ← ادامه روند عملیاتی حوزه مد و لباس.^{۱۰}

- برگزاری نمایشگاه دائمی مد و لباس در میدان ولیعصر تهران.
- برگزاری اولین جشنواره مد و لباس فجر در اسفند ماه ۱۳۹۰.
- فعال نمودن کمیسیون ماده ۴ در جشنواره فجر.

- حضور در نمایشگاه قرآن رمضان ۱۳۹۱، برپایی نمایشگاه عفاف و حجاب و رونمایی از چادر مانتو سریر.
- حضور در نمایشگاه بین‌المللی استانبول ترکیه در مردادماه ۱۳۹۱.
- سایر فعالیت‌های انجام شده از ۱۳۸۹: ۱۱
- تشکیل بنیاد ملی مد و لباس و آغاز به کار آن از ۲۵ تیرماه ۱۳۹۱.
- احیای قانون مالکیت معنوی، نوشتن نرم‌افزاری برای این مهم و صدور برخی پروانه‌های مالکیت معنوی.
- تهیه و تدوین ژورنال چادر.
- توجه به برند ایران مد و در دستور اجرا قرار گرفتن آن در نمایشگاه آبان ۱۳۹۱.

با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که اجرای قانون ساماندهی مد و لباس به طور کامل طی نشده است و همچنان خلأهای بسیاری در اجرای آن وجود دارد. همچنین با نظر به محتوا و مفاد قانون و کیفیت اجرای آن، می‌توان ابزار اجرای آن را ترکیبی (مختلط اجباری و داوطلبانه) در نظر گرفت چه این که تلاش شده تا مشارکت بخش خصوصی تا حد امکان فعال شود.

گام پنجم: ارزیابی قانون ساماندهی مد و لباس

با توجه به عدم تکمیل فرایند اجرا نمی‌توان از ارزیابی کامل و دقیق قانون ساماندهی مد و لباس سخن گفت، اما به طور خلاصه بر اساس نظریه نهادی ارزیابی که اهداف مصرح قانونی و سیاست‌های اعلامی را مورد توجه قرار داده و بر این اساس به ارزیابی اجرای آن (تحقق یا عدم تحقق سیاست‌ها) می‌پردازد، اجرای قانون ساماندهی مد و لباس در قالب جدول ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۲. ارزیابی قانون ساماندهی مد و لباس مجلس شورای اسلامی بر اساس نظریه نهادی

ماده	شرح ماده قانونی	کیفیت اجرا (تحقق یا عدم تحقق)
۱	ملزم شدن وزارت ارشاد به تشکیل کارگروهی متشکل از یک نفر نماینده تام الاختیار از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بازرگانی و صنایع و معادن، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سه نفر از نمایندگان صنوف ذی‌ربط (طراحان و تولیدکنندگان) و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر.	تشکیل کارگروه از ابتدای سال ۱۳۸۶ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تشکیل دبیرخانه از آذرماه ۱۳۸۶ با صدور حکم علیرضا حسین زاده به عنوان نخستین دبیر کارگروه. ^{۱۲} / تحقق ماده مربوطه
۲	ترویج نمادها و الگوهای پارچه و لباس ایرانی و بومی مناطق مختلف ایران نمادها و الگوهای مورد تأیید کارگروه (کمیته) یادشده در ماده (۱) از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و پرهیز از تبلیغ الگوهای مغایر با فرهنگ ایرانی - اسلامی.	عرضه برخی الگوهای اسلامی ایرانی لباس در قالب نمایشگاه و جشنواره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مشارکت سازمان صدا و سیما تنها در حد اطلاع‌رسانی نمایشگاه‌های مد و لباس و فقدان توجه لازم به ترویج الگوهای اسلامی در تولیدات تلویزیونی. ^{۱۳} / تحقق ناقص ماده مربوطه.
۳	برگزاری موزه، نمایشگاه و جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت معرفی نمادها و الگوهای پارچه و لباس ایرانی - اسلامی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت بازرگانی جهت تبادل فرهنگی ملل مسلمان.	تمرکز حداکثری بر برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های ملی و فقدان توجه جدی به برگزاری موزه، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های ملی و بین‌المللی / تحقق ناقص ماده مربوطه. ^{۱۴}
۴	طرح‌ها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی-اسلامی مشمول حمایت قانونی حقوق مؤلفان و مصنفان و کانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی خواهد بود.	احیای قانون مالکیت معنوی، نوشتن نرم‌افزاری برای این مهم و صدور برخی پروانه‌های مالکیت معنوی از سال ۱۳۸۹، توجه به برند ایران مد و در دستور اجرا قرار گرفتن آن از نمایشگاه آبان ۱۳۹۱ / تحقق ماده مربوطه.
ماده	شرح ماده قانونی	کیفیت اجرا (تحقق یا عدم تحقق)

<p>برگزاری نمایشگاه به صورت محدود و در قالب نمایشگاه پیش از بهار و یا در شهریور همزمان با بازگشایی مدارس از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت که در آنها همان طرح‌ها و مدل‌های سال‌های گذشته به نمایش درمی‌آید، در حالی که نمی‌توان آنها را به قانون ساماندهی مد و لباس نسبت داد^{۱۵} / تحقق ناقص ماده مربوطه</p>	<p>۵ برگزاری نمایشگاه‌های عرضه فصلی مد لباس و پوشاک از سوی وزارت بازرگانی برای دسترسی عمومی و حمایت از تولید و فروش پارچه‌ها و پوشاک منطبق با الگوهای ایرانی - اسلامی.</p>
<p>فقدان اهتمام جدی وزارت صنعت، معدن و تجارت به این مهم/ عدم تحقق ماده مربوطه.</p>	<p>۶ وضع عوارض گمرکی بر واردات تجاری پوشاک و پارچه‌های خارجی از سوی وزارت بازرگانی به نحوی که امکان رقابت برای تولیدکنندگان داخلی فراهم گردد، برای حمایت از تولیدات داخلی با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن.</p>
<p>فقدان همکاری لازم از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت و عدم ارائه تسهیلات بانکی و وام‌های اشتغالی^{۱۶} / عدم تحقق ماده مربوطه.</p>	<p>۷ وزارت‌خانه‌های تعاون، کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن مکلفند در تأسیس تعاونی، اعطاء مجوز فعالیت و استفاده از تسهیلات دولتی، طراحان و تولیدکنندگان پارچه و لباس مبتنی بر الگوهای ایرانی - اسلامی را در اولویت قرار دهند</p>
<p>فقدان همکاری‌های لازم از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت / عدم تحقق ماده مربوطه.</p>	<p>۸ اعمال تمهیدات و اقدامات حمایتی لازم برای تشکیل و تقویت صنف طراحان لباس از سوی وزارت بازرگانی</p>
<p>فقدان اهتمام به این ماده با توجه به مجموع اطلاعات حاصل شده / عدم تحقق ماده مربوطه.</p>	<p>۹ کلیه دستگاه‌های دولتی مکلفند از بودجه سنواتی ردیف‌های خدماتی-رفاهی خود، جهت تشویق تقاضای پارچه و لباس منطبق با الگوهای ایرانی- اسلامی تسهیلات خرید پارچه و لباس‌های مذکور را در اختیار کارکنان خود قرار دهند</p>

ماده	شرح ماده قانونی	کیفیت اجرا (تحقق یا عدم تحقق)
۱۰	حمایت و پشتیبانی از تحقیقات و رساله‌های تخصصی مشمول این قانون از سوی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و فرهنگ و ارشاد اسلامی.	فقدان اقدام جدی در این زمینه با توجه به مجموع اطلاعات به دست آمده/ عدم تحقق ماده مربوطه
۱۱	تهیه آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تصویب آن از سوی هیئت وزیران.	تصویب آیین‌نامه اجرایی با تأخیر بیش از یک سال در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱/۴۵۴۳ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت بازرگانی - وزارت صنایع و معادن - وزارت آموزش و پرورش - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور وزیران عضو کمیسیون فرهنگی ^{۱۷} تحقق ماده مربوطه

همچنین با نظر به فعالیت‌های انجام گرفته و تجارب موجود تا آبان ماه ۱۳۹۱ (که از مجموع مصاحبه‌ها به دست آمده) می‌توان در نقد قانون ساماندهی مد و لباس و مواد آن، موارد ذیل را در قالب نقاط قوت و ضعف فهرست نمود:

جدول شماره ۳. نقاط قوت و ضعف قانون ساماندهی مد و لباس

نقاط قوت
وجود رویکرد حمایتی، تشویقی و ایجابی در قانون و پرهیز از هر گونه رویکرد سلبی و تنبیهی.
دقیق‌تر نمودن شناخت حاکمیت نسبت به مسئله مد و لباس.
بسیج تمامی دستگاه‌های دولتی مرتبط و تأثیرگذار در عرصه مد و لباس.
توجه به مد و تنوع‌طلبی جوانان برای اولین بار در سیاست‌گذاری حوزه پوشش کشور، با تعیین معیار و شاخص بومی اسلامی ایرانی برای آن.
ایجاد انگیزه و شور و اشتیاق فعالیت در میان طراحان داخلی در عرصه مد و لباس اسلامی ایرانی.

فضاسازی فرهنگی در عرصه مد و لباس و تقویت تعامل میان تولید کنندگان، طراحان و دانشگاهیان.	
توجه ویژه به تحقیق و پژوهش در عرصه مد و لباس اسلامی ایرانی.	
توجه به قانون مالکیت معنوی و احیای آن در مورد طراحان لباس.	
توجه به عرضه و ارائه مد اسلامی ایرانی در قالب نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها.	
عدم طرح ساختار و قدرت اجرایی فراتشکیلاتی برای کارگروه مد و لباس اسلامی ایرانی و گنجاندن آن در دستگاهی هم عرض دیگر دستگاه‌ها.	نقاط ضعف
عدم در نظر گرفتن بودجه و اعتبار لازم برای فعالیت در عرصه مد و لباس اسلامی ایرانی.	
نادیده گرفتن بخش خصوصی به عنوان عامل اجرایی مؤثر و توجه حداکثری به دستگاه‌های دولتی.	

علاوه بر این در تکمیل ارزیابی اجرای قانون ساماندهی مد و لباس شایان ذکر است که اجرای قانون فوق با آسیب‌ها و موانعی همراه بوده که موجبات تأخیر، عدم هماهنگی و دستیابی به نتایج مطلوب را به همراه داشته است. آسیب‌ها و موانع اجرا را بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته، می‌توان در قالب محورهای ذیل خلاصه نمود:

- عدم فراتشکیلاتی بودن کارگروه و واسپاری چند دستگاه و نهاد دولتی به مقام اجرایی یک دستگاه هم عرض دیگر ⇒ عدم دستیابی به مدیریت نافذ و مؤثر و عدم هماهنگی میان اعضاء.^{۱۸}
- دولتی بودن صرف و عدم فعال شدن جدی بخش خصوصی در این عرصه.^{۱۹}
- عدم تخصیص بودجه و اعتبار لازم برای حوزه ساماندهی مد و لباس.^{۲۰}
- وجود ساختاری محصول‌محور و نه مأموریت‌محور که به دنبال راه‌کارهای اجرایی کوتاه مدت در مورد پدیده‌های فرهنگی بلند مدتی چون پوشش هستند.^{۲۱}
- عدم اتخاذ روش مناسب در برنامه ریزی و اجرا و فقدان استانداردهای تحلیل / عدم وجود سیستم و مکانیزم ارزیابی در انجام طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به

مد و لباس ← جزیره‌ای شدن کارها، عدم یکپارچگی و کاهش اثربخشی فعالیت‌ها.^{۲۲}

- عدم نظارت جدی و دقیق بر اجرا.^{۲۳}
 - عدم جدیت و دغدغه لازم در برخی دستگاه‌های ذی ربط.^{۲۴}
 - عدم در کنار هم قرار گرفتن تخصص و تعهد در اجرای قانون.^{۲۵}
 - وجود اقتصاد زیر زمینی در حوزه پوشاک.^{۲۶}
 - مصرف‌گرایی شدید در جامعه.^{۲۷}
 - هجوم روزافزون الگوها و مدل‌های غربی از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای.^{۲۸}
- با توجه به این مسائل، آسیب‌ها و موانع، و همچنین راهکارهایی که برخی مصاحبه‌شوندگان جهت بهبود قانون و پیشبرد اجرای آن ارائه نمودند، می‌توان پیشنهادهایی را به شرح ذیل مطرح نمود:
- در نظر گرفتن ساختار و اعتبار اجرایی برای کارگروه و یا ایجاد نهادی که فراتشکیلاتی بوده و در عین این که حاکمیت نقش هدایتی و نظارتی‌اش را ایفا می‌کند، در حوزه اجرا حاکمیت مستقیم وارد نشده و مردم دست‌اندرکار آن باشند.^{۲۹}
 - تخصیص بودجه و اعتبار لازم برای حوزه مد و لباس.^{۳۰}
 - فعال نمودن بخش خصوصی در حوزه مد و لباس.^{۳۱}
 - جدیت دستگاه‌های ذی ربط و توجه ایشان به مسئله مد و لباس به عنوان تکلیف شرعی و حداقل قانونی و وجود هماهنگی هر چه بیشتر در میان آن‌ها.^{۳۲}
 - تدوین استانداردها و ایجاد مکانیزم ارزیابی برای طرح‌ها و پروژه‌های خرد و کلان حوزه مد و لباس.^{۳۳}
 - ضرورت کنار هم قرار گرفتن تعهد و تخصص در دستگاه‌های ذی ربط در پرداختن به مسئله مد و لباس.^{۳۴}
 - تقویت نظارت مجلس شورای اسلامی بر اجرا و زوایای مختلف آن.^{۳۵}

- تأکید ویژه بر برنامه ریزی‌ها، تدوین سیاست‌ها و طراحی پروژه‌های بلند مدت در حوزه مد و لباس اسلامی ایرانی، در عین توجه به فعالیت‌ها و برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت.^{۳۶}

در مجموع قانون ساماندهی مد و لباس همچنان تا اجرایی شدن کامل و دستیابی به نتایج و اهداف مورد نظر در سطح کشور فاصله بسیار زیادی دارد، چه این که علاوه بر تأخیر در اجرا، وجود برخی موانع و آسیب‌ها در اجرا و مهم‌تر از همه زمان‌بر بودن اجرا، بایستی این نکته را همواره به خاطر داشت که تغییر فرهنگی امری است که در بلند مدت اتفاق می‌افتد و اساساً اتخاذ هر گونه سیاست در حوزه مسائل فرهنگی چون پوشش، مد و لباس نباید شتاب‌زده بوده و به دنبال تحقق نتایج در کوتاه مدت باشد.

جمع‌بندی

مسئله پوشش و به طور خاص مد و لباس از جمله مسائل فرهنگی اجتماعی است که هر کشوری نظر به چارچوب فکری و مبانی نظری خاصی به این موضوع نظر کرده و در قبال آن سیاست‌های متعددی را اتخاذ نموده‌اند. این مهم، پس از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی بر اساس مفروضات دینی مورد توجه جدی و در دستور کار نهادهای سیاستگذار کشور قرار گرفت و از ابتدای انقلاب تاکنون فراز و فرود بسیاری را طی نمود.

قانون ساماندهی مد و لباس به عنوان اولین سیاست فرهنگی در زمینه پوشش که به طور مستقیم متوجه مسئله مد و لباس اسلامی ایرانی بوده و از ویژگی‌های منحصر به فردی نسبت به قوانین پیش از خود برخوردار است، آخرین حلقه از زنجیره سیاست‌گذاری در عرصه پوشش است که در این نوشتار بر اساس مدل فرایندی و به کارگیری روش سندپژوهی و مصاحبه، فرایند سیاست‌گذاری آن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

بهره‌گیری از اسناد و گزارش‌های موجود و همچنین مصاحبه با کارشناسان و دست‌اندرکاران این مهم در چارچوب فرایند سیاست‌گذاری (تعیین مسأله، شناسایی راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی) ما را به این نتیجه رساند که مسئله مد و لباس در

کشور با نظر به آموزه‌های اسلامی و همچنین در راستای سفارشات و تأکیدات رهبری جمهوری اسلامی ایران و در امتداد مصوبه اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و همچنین راهبردهای عملیاتی آن، به عنوان مسئله سیاست‌گذاری شناخته شد و در دستور کار کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و پس از بحث و بررسی‌های متعدد، قانون ساماندهی مد و لباس با در نظر گرفتن دو فاکتور اسلامیت و ایرانیت به عنوان راه حل مسئله انتخاب و تدوین شد. قانون مشتمل بر یازده ماده و سه تبصره در دی‌ماه ۱۳۸۵ تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان رسید. در ادامه آیین‌نامه اجرایی آن، خرداد ۱۳۸۷ مورد تصویب دولت قرار گرفت و اجرای آن ذیل کارگروه ساماندهی مد و لباس معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تدوین آیین‌نامه اجرایی آن پیگیری شد.

ارزیابی قانون و اجرای آن نظر به فعالیت‌های انجام گرفته حکایت از آن دارد که ماده‌های ۶ تا ۱۰ این قانون اجرایی نشده و ماده‌های ۲، ۳ و ۵ به صورت ناقص اجرایی گردیده‌اند. همچنین این قانون در عین برخورداری از نقاط قوتی از قبیل وجود رویکرد حمایتی، تشویقی و ایجابی، بسیج تمامی دستگاه‌های مرتبط، ایجاد انگیزه در طراحان، نقاط ضعفی همچون عدم ساختاری فراتشکیلاتی برای کارگروه ساماندهی مد و لباس، عدم تخصیص اعتبار و بودجه کافی و نادیده گرفتن بخش خصوصی و... دارد. علاوه بر این می‌توان آسیب‌ها و موانع اجرای صحیح قانون را در مواردی از جمله وجود ساختاری محصول محور و نه مأموریت محور، عدم اتخاذ روش مناسب در برنامه ریزی و اجرا و فقدان استانداردهای تحلیل عدم نظارت جدی و دقیق بر اجرا، عدم جدیت و دغدغه لازم در برخی دستگاه‌های ذی‌ربط، عدم در کنار هم قرار گرفتن تخصص و تعهد در اجرای قانون، وجود اقتصاد زیرزمینی در حوزه پوشاک، مصرف‌گرایی شدید در جامعه و هجوم روزافزون الگوها و مدل‌های غربی از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای خلاصه کرد.

با وجود این که قانون فرایند اجرای خود را در دستگاه‌های مختلف ذی ربط مطابق با انتظار طی نکرده است اما با هم‌افزایی به وجود آمده و فضا سازی‌های ایجاد

شده، امید آن می‌رود که در آینده بلند مدت ضمن اصلاحات جزئی در قانون‌گذاری عرصه مد و لباس، شاهد نتایج مطلوب و رضایت‌بخشی در این عرصه باشیم.

یادداشت‌ها

1. the face of fashion: cultural studies in fashion
2. the economics of fashion demand
3. Amitai Etzioni
۴. مصاحبه با آلیا، افتخاری و مصاحبه افروغ با دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (مجله حوراء)
۵. مصاحبه با آلیا، افتخاری و مصاحبه افروغ با دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (مجله حوراء)
۶. مصاحبه با آلیا، افتخاری و مصاحبه افروغ با دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (مجله حوراء)
۷. مشروح جلسات مجلس شورای اسلامی در مورد قانون ساماندهی مد و لباس (جلسات ۲۱۸، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵ و ۲۸۴).
۸. گزارش دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس، تیرماه ۱۳۸۹.
۹. مصاحبه با سهرابی و گفتگوی ویژه خبری شبکه دو با عیسی کشاورز، آبان ماه ۱۳۹۰.
۱۰. مصاحبه با سهرابی
۱۱. مصاحبه با شاه آبادی
۱۲. مصاحبه با حسین زاده.
۱۳. مصاحبه با شاه آبادی
۱۴. اطلاعات حاصله از مجموع مصاحبه‌ها.
۱۵. مصاحبه فاطمه رهبر با خبرگزاری مجلس شورای اسلامی.
۱۶. مصاحبه فاطمه رهبر با خبرگزاری مجلس شورای اسلامی.
۱۷. آیین نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس.
۱۸. گزارش دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس، تیرماه ۱۳۸۹ و مصاحبه با حسین زاده.
۱۹. مصاحبه با شاه آبادی
۲۰. مصاحبه با شاه آبادی و حسین زاده
۲۱. گزارش دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس، تیرماه ۱۳۸۹ و مصاحبه با حسین زاده
۲۲. گزارش دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس، تیرماه ۱۳۸۹ و مصاحبه با حسین زاده
۲۳. مصاحبه با آلیا و افتخاری
۲۴. مصاحبه با آلیا، افتخاری و حسین زاده

۲۵. مصاحبه با غزالی
۲۶. گفتگوی ویژه خبری شبکه دو با عیسی کشاورز، آبان ماه ۱۳۹۰
۲۷. گفتگوی ویژه خبری شبکه دو با عیسی کشاورز، آبان ماه ۱۳۹۰
۲۸. گفتگوی ویژه خبری شبکه دو با عیسی کشاورز، آبان ماه ۱۳۹۰
۲۹. مصاحبه با حسین زاده
۳۰. مصاحبه با شاه آبادی، حسین زاده، سهرابی و مصاحبه کشاورز با گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲
۳۱. مصاحبه با شاه آبادی و حسین زاده
۳۲. مصاحبه با افتخاری و سهرابی
۳۳. گزارش دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس، تیرماه ۱۳۸۹
۳۴. مصاحبه با ربابه غزالی
۳۵. مصاحبه با فاطمه آلیا
۳۶. مصاحبه با حسین زاده

کتابنامه

- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵) اصول روشن تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۱)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: چاپ پیام نور.
- الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- بنت، اندی (۱۳۸۶)، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- جوادی یگانه، محمدرضا، کشفی، سیدعلی (۱۳۸۶)، «نظام نشانه‌ها در پوشش»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
- دلاور، علی (۱۳۷۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.

- ساقینی، مجتبی (۱۳۹۰)، «سیاست‌گذاری و مدیریت پوشش در جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۸»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- شافریتز، جی ام و بریک، کریستوفر پی (۱۳۹۰)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- شهابی، محمود (۱۳۸۹)، *صنعت-فرهنگ ظاهرآرایی و زیباسازی بدن در ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- صدر، شادی (۱۳۸۹) *مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: کتاب نیلی.
- فروزنده، لطف اله و وجدانی، فؤاد (۱۳۸۸)، «سیاست‌گذاری عمومی چیست؟»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، دوره ۲۴، شماره ۲۷۰.
- فلیک، اووه (۱۳۹۰)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قلی‌پور، رحمت اله و غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹)، *فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- گال، مردیت؛ بورک، والتر و گال، جویس (۱۳۸۶)، *روش‌های کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- لیندلف، تامس آر. و تیلور، برایان سی (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: انتشارات همشهری.
- هاولت، مایکل، رامش، ام (۱۳۸۰)، *مطالعه خط مشی عمومی*، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- وحید، مجید (۱۳۸۰)، «درآمدی بر سیاست‌گذاری عمومی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۵۲.
- وحید، مجید (۱۳۸۳)، *سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات میزان.
- ویمر، راجر و دومینیک، جوزف (۱۳۸۴)، *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

- Craik, Jennifer (1994), *The Face of Fashion: Cultural Studies in Fashion*, London: Routledge.
- Dunn, William (1994), *Public Policy Analysis: An Introduction*, New Jersey: Pearson.
- Fischer, Frank; Miller, Gerald J.& Sidney, Mara S (2007), *Handbook of public policy analysis: Theory, politics and methods*, USA: CRC Press.
- Mansour, Ahmed M.E (2011), "Use of 'policy analysis' to improve the quality of policy-making by government and non-governmental organizations", *Verslo ir teisės aktualijos / Current Issues of Business and Law*, Vol. 6, No.1.
- Nagel, Stuart S (1999), *Policy Analysis Methods*, New Science Publishers, from http://en.wikipedia.org/wiki/Policy_analysis.
- Robinson , Dwight E (1961) "The Economics of Fashion Demand", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 75, No. 3.
- Vining, Aidan R.& Boardman, Anthony E (2004). *Policy Analysis Methods in Canada*.
- Walt, Gill & Gilson, Lucy (1994), "Reforming the health sector in developing countries: the central role of policy analysis, health policy and planning", *Oxford University Press*, Vol.9, No.4.

Archive of SID